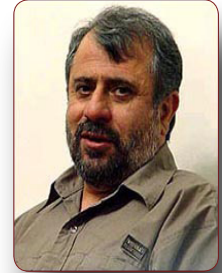


SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com

قدآن و "مساله" ای به نام زن



مسن یوسفی اشکوری

شماره مقاله : ۱۰۲۵

تعداد صفحه : ۶

آفرین بررسی : ۸۷/۱۲

تاریخ تمریر : ۱۳۸۷

www.shandel.org

موضوع :

قرآن و "مساله" ای به نام زن

با سلام به شما خانم‌ها و آقایان

خرسندم از اینکه به من فرصت داده شده است تا در حضور شما درباره یکی از موضوعات مهم دینی و اجتماعی با شما سخن بگویم و امیدوارم که گفتگوی مفیدی داشته باشیم. از فرمانداری پیاچنزا نیز سپاسگزارم که این امکان را فراهم کردند.

موضوع سخن من عبارت است از "قرآن و "مساله" ای به نام زن". بی گمان یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در ارتباط با اسلام و جهان مدرن، موضوع برخی از مقررات شرعی و فقهی اسلام در مورد زن است، مقرراتی که به نظر می‌رسد در تعارض با حقوق مساوات طلبانه دنیای مدرن باشد. البته باید افزود که موضوع نگاه به زن در طول تاریخ بشر همواره به عنوان یک "مساله" بوده و هست.

حداقل از سه هزار سال قبل، یعنی از عصر نوسنگی و انقلاب کشاورزی به بعد، در تمام جوامع، به دلایلی، زن به تدریج از زندگی عمومی و حقوق مساوی با مردان محروم شد و فعالیت خود را بیشتر در خانه و مدیریت خانه متمرکز کرد و جامعه و سیاست و فرهنگ و دانش هر روز مردانه‌تر شد. در پی آن تقریباً در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نوعی نگاه بدبینانه و منفی و حتی مشکوک نسبت به خلقت زن و نقش وی پدید آمد.

از سه هزار سال قبل تا همین اواخر کمتر فیلسوف و متفکری را در شرق و غرب جهان می‌توان یافت که دیدگاه منفی و تحقیرآمیز نسبت به زن نداشته باشد. این نگاه نسبت به زن، کم و بیش در تمام دین‌های نهادینه شده و تاریخی مانند یهودیت، زرتشتیت، مسیحیت، مانویت و اسلام مشاهده می‌شود. البته منظور من دیدگاه اصلی و نخستین پیامبران و بنیادگذاران ادیان نیست، چرا که دقیقاً روشن نیست که آنان در این مورد چه می‌گفتند، بلکه منظور من دیدگاه‌های پیروان دین‌های یاد شده در طول تاریخ است. و اما در جهان جدید و به طور مشخص از عصر رنسانس به بعد، به تدریج دیدگاه‌های منفی گذشته نسبت به زن دگرگون شد و در نتیجه زنان به تدریج از انزوا بیرون آمده و به عرصه جامعه و فعالیت‌های برابر با مردان وارد شدند و امروز پس از

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و میثاقین آن، زنان تا حدود زیادی در غرب و کمتر در جوامع پیرامونی به حقوق مساوی رسیده‌اند. در مجال بسیار کوتاه نمی‌توانم به تفصیل درباره دیدگاه اسلام و مسلمانان درباره زن و مسأله جنسیت و بویژه قوانین و مقررات فقهی و حقوقی اسلام در این مورد بپردازم. از این رو می‌کوشم خیلی کوتاه دیدگاه اسلامی در این مورد را عمدتاً در قرآن بیان کنم، چرا که در احادیث و تاریخ و سنت مسلمانان دیدگاه‌های متفاوت و حتی متضادی در مورد زن و جایگاه و نقش او وجود دارد.

موضوع زن در قرآن را می‌توان در دو بخش متفاوت مورد بحث و تأمل قرار داد :

۱. نگاه عام و انسانی

۲. نگاه خاص و حقوقی.

در مورد نخست، با توجه به مجموعه آیات قرآن در حوزه انسان و انسان‌شناسی، می‌توان گفت که از نظر قرآن در سطح عام در خلقت بین مرد و زن هیچ تفاوتی و تمایزی وجود ندارد. در تمام قرآن، حتی یک آیه وجود ندارد که زن را غیرانسان و یا فروتر از مرد بداند. اگر ارزش ذاتی آدمیان را اراده آزاد، قدرت انتخاب، مسئولیت و صلاحیت و دارای توان عمل آزاد و امکان رستگاری بدانیم، آیات متعدد قرآن تمام این ویژگی‌ها را برای زن و مرد به رسمیت می‌شناسد.

در یک طبقه بندی کلی می‌توان گفت که زن و مرد :

۱. هر دو آفریده خداوندند

۲. در خلقت آن دو تمایزی وجود ندارد

۳. هر دو دارای اختیار و قدرتِ انتخاب‌اند

۴. هر دو در برابرِ انتخابِ شان مسئول‌اند

۵. هر دو می‌توانند با ایمان به خداوند و نیکی و رفتارِ خیرخواهانه و عشق و خدمت به بندگانِ خدا در این جهان و آن جهان به رستگاری برسند.

بر خلافِ دیدگاهِ منفی بسیاری از فیلسوفان و متفکرانِ بزرگِ بشری در طولِ تاریخ، و حتی در دورانِ معاصر، در قرآن و اندیشهٔ محمد (ص) نه تنها هیچ سخن و رفتارِ بدبینانه‌ای نسبت به زن دیده نمی‌شود، بلکه کاملاً دیدگاهِ مثبت و انسانی و حتی عاشقانه نسبت به زن مشاهده می‌شود. این در حالی است که اعرابِ آن روزگار چندان نگاهِ مثبتی به جنسِ زن و بویژه نقشِ اجتماعیِ او نداشتند و حتی در پاره‌ای موارد دختران را زنده به گور می‌کردند. اینکه طبقِ روایتی پیامبرِ اسلام می‌گوید از دنیا به سه چیز علاقمند است: نماز و عطر و زن، از این نگاهِ مثبت خبر می‌دهد. رفتارِ شخصیِ محمد با زنان و بویژه همسران‌اش مؤیدِ همین دیدگاه است. البته باید گفت که اکثرِ مسلمانانِ آن زمان و بعدها چنین نگاهی نداشتند، و همین تفاوتِ دیدگاه، بعدها در قوانینِ حقوقی و محدود کردنِ زنان نقشِ بسزایی داشته است. دیدگاهِ عمر در این مورد قابلِ مطالعه است.

اما از نظرِ حقوقی، هم در قرآن و هم در سخنانِ باقی مانده از پیامبر، تمایز و تبعیض‌های حقوقیِ چندی وجود دارد، و همین تفاوت‌های حقوقی سبب شده است که امروز کسانی از تعارضِ اسلام و حقوقِ بشر در دنیای جدید سخن بگویند. واقعیت این است که این تفاوت‌ها نیز غالباً با تجربهٔ امروز بشر و اعلامیهٔ جهانیِ حقوقِ بشر و دیگر آموزه‌های دنیای مدرنِ غرب تعارض دارد. اما باید با دیدگاهِ تاریخی و واقع‌بینانهٔ حقوقی به این تفاوت‌ها نگریم و از هر نوع ذهنیت‌گرایی و برخوردِ غیرعلمی و غیرتاریخی دوری جست. یعنی نباید با تجارب و آرمان‌ها و قواعدِ امروزی به تاریخِ گذشته نگریم. این قاعده در موردِ تمامِ فرهنگ‌ها و دین‌ها و فلسفه‌ها صادق است و اختصاص به اسلام ندارد.

اگر از این نظر به قرنِ هفتمِ میلادی (اولِ هجری)، به جامعهٔ عقب مانده‌ای چون عربستان و حجاز بنگریم، می‌بینیم که اسلام و قرآن در مجموع یک

ر فرم و تحول مثبتی در مورد زن و حقوق و منزلت اجتماعی و انسانی وی ایجاد کرد و لذا اسلام در مسیر تحولات حقوقی زنان یک گام بلند برداشت : شأن انسانی زن را به رسمیت شناخت، مالکیت شخصی زنان را در امور مالی و هر نوع فعالیت اقتصادی تأیید کرد، زنان را برای هر نوع فعالیت اجتماعی و سیاسی تشویق کرد، زن را در کنار مرد و در برابر او از هر نظر مستقل شناخت، حق انتخاب آزادی در ازدواج را برای زنان پذیرفت و... این قواعد در قیاس با آن روز عربستان و حتی اغلب نقاط جهان یک گام به جلو بود، ولی در مواردی این رفرمها و قواعد حقوقی در قیاس با شرایط امروز در مورد زن و نقش وی قطعاً چند قدم عقب است.

در دنیای جدید، پس از قرن‌ها تجربه و آزمون و خطا و مبارزات انسانی و اجتماعی، مسأله برابری ذاتی انسان‌ها پذیرفته شده و تاکنون تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و می‌گیرد که حقوق برابر نیز برای همه، از جمله زن و مرد، به رسمیت شناخته شود، هر چند هنوز این حقوق کاملاً به دست نیامده است. در این شرایط، در فقه و شریعت اسلامی تفاوت‌های حقوقی متعددی بین زن و مرد وجود دارد که اکنون در ایران و در دیگر کشورهای اسلامی کم و بیش همین مقررات تبعیض آمیز اجرا می‌شود. مقرراتی چون محرومیت زن از حق زمامداری و قضاوت، چند همسری، حجاب اجباری، سن بلوغ و کیفری (دختر نه سال و پسر پانزده سال)، حضانت فرزند که غالباً حق مرد است، محرومیت زن از حق طلاق و...

اما چند نکته در این موارد قابل ذکر است :

۱. اکثر این مقررات در قرآن وجود ندارد، بعدها دیدگاه‌های تعصب‌آلود و عقب افتاده بسیاری از مسلمانان و از جمله فقیهان و عالمان دینی این مقررات را پدید آورده است.

۲. شماری از این مقررات (مانند حق زمامداری یا قضاوت و یا حجاب اجباری و سن بلوغ و حضانت فرزند و حق طلاق) مورد توافق تمام مسلمانان و یا فقیهان و مجتهدان نیست، شمار قابل توجهی از مجتهدان این تفاسیر را قبول ندارند و برای زنان حق مساوی قایل هستند.

۳. نکته مهم آن است که همان احکام و مقررات شرعی اصلی که در قرآن و سنت پیامبر در صدر اسلام وضع شده‌اند، به تناسب شرایط و زمان و مکان بوده و در زمان خود تحول مثبتی به سود زن و جامعه بوده است، ولی هیچ دلیل قانع کننده عقلی و نقلی وجود ندارد که تمام آنها عیناً و بدون توجه به شرایط و نیازها و ضرورت‌های امروز و یا در روزگاران دیگر اجرا شود. اساساً عقل و تجربه می‌گویند که قوانین کاملاً به تناسب زمان و مکان و ضرورت‌ها به منظور تنظیم روابط عادلانه‌تر جامعه وضع می‌شوند و لذا ذاتاً هیچ قانونی نمی‌تواند جاودانه و مقدس باشد.

بر این اساس معتقدم که قوانین اجتماعی و حقوقی و کیفری صدر اسلام (از جمله مقررات مربوط به زنان) جاودانه و برای همیشه نبوده است. در حوزه جامعه و سیاست و قانون، آنچه در اسلام مهم و اساس و جاودانه است، سه چیز است: علم، عقل و عدالت. علم و عقل و عدل و تعاریف و مخصوصاً مصادیق آنها، ثابت و جاودانه نیستند و لذا کاملاً تابع نظر کارشناسان و عرف زمانه هستند و این امور موضوعاً هیچ ربطی به دین و شریعت ندارند. طبعاً مجموعه‌ای از کارشناسان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی (که البته مجتهدان نیز می‌توانند جزو آنان باشند)، در هر دوره‌ای باید بکوشند با توجه به اصول اخلاقی و قواعد کلی اسلام، علمی‌ترین، معقول‌ترین و عادلانه‌ترین قانون را وضع کنند. همان گونه که پیامبر اسلام نیز چنین کرد. احکام امضایی اسلام معنایی جز این ندارد.

نکته آخر اینکه، فراموش نکنیم هدف اساسی دین (و از جمله اسلام) وضع قانون و جعل مقررات برای جوامع انسانی تا پایان تاریخ نیست و نیز حکومت مذهبی در متن هیچ دینی وجود ندارد. آنچه حقیقت و فلسفه وجودی دین است سه چیز است:

۱. ایمان و توجه به خداوند به مثابه آفریدگار و حقیقت هستی، ۲. اخلاق و معنویت و نیایش برای رشد معنوی اخلاقی آدمیان و ۳. عدالت و آزادی در تمام ابعاد آن در زندگی فردی و اجتماعی. گرچه هر پیامبری و از جمله پیامبر اسلام به ضرورت قوانینی نیز وضع کرده‌اند که عموماً برای گره‌گشایی از مشکلات روزمره همان روزگار بوده است. نکته مهم آن است که دین برای انسان است، نه انسان برای دین.

سخنرانی در شهر پیاجنرای ایتالیا - ۲۳ آبان ۸۷